

شهيد حسن جمالي



سامانه جامع سرداران و دو هزار شهيد استان بوشهر

غلامرضا	نام پدر
۱۳۳۴/۰۴/۰۵	تاریخ تولد
بوشهر - تنگستان	محل تولد
۱۳۶۱/۰۵/۰۷	تاریخ شهادت
کوشک	محل شهادت
فرمانده دسته	مسئولیت
بسیج	نوع عضویت
آموزش و پرورش	شغل
دیپلم	تحصیلات
خیاری	مدفن

زندگینامه

زندگینامه شهید حسن جمالی

ان الله اشتری من المومنین انفسهم و اموالهم بان لهم الجنه

همانا خداوند از مومنین جانهایشان و اموالشان در مقابل بهشت برای ایشان عطا می فرماید :

برادر شهید حسن جمالی فرزند غلامرضا در سال ۱۳۳۴ در روستای خیاری از توابع شهرستان تنگستان استان بوشهر متولد شد. پدرش کشاورز و مسلمان زحمتکشی بود که معیشت زندگی را به سختی فراهم می نمود. شهید بزرگوارمان تحصیلات ابتدایی را در روستای زادگاهش گذرانید بعد از اتمام دوره ابتدایی دوران راهنمایی را تا پایان سال سوم در مرکز شهرستان با هزاران مشقت و رنج سپری نمود و پس از پایان سال سوم برای ادامه تحصیل به بوشهر عزیمت نمود. ولی به علت نداشتن هزینه تحصیل مجبور شده که روزها را به جای استراحت در نانوائی کار کند. و عصرها به تحصیل بپردازد. او بالاخره با تلاش و مناعت طبع و همت عالی و تحمل رنج و مشقت دیپلم خود را از هنرستان بوشهر اخذ نماید، اما با آن همه تحمل رنج و زحمت در دوران طاغوت توانست خود را در جامعه پر زرق و برق آن زمان که مملو از گناه و بی عفتی بود همچنان پاک نگه دارد، با آغاز حرکت عظیم پیروزی انقلاب به رهبری امام خمینی (ره) ایشان نقش مهمی در براندازی رژیم منحوس پهلوی ایفا نمود و همگام با دیگر مردم حزب الله در مساجد بخصوص مسجد جامع عطار بوشهر علیه رژیم پیا خاست و از همه مهمتر در راهپیماییها و رسانیدن اعلامیه‌های حضرت امام (ره) بین مردم و روستای زادگاهش نقش مهمی داشت تا اینکه به خدمت مقدس سربازی فراخوانده شد. در آنجا نیز فعالیت خویش را علیه رژیم منحوس پهلوی با قدرت تمام ادامه داده پس از پیروزی انقلاب اسلامی در اداره آموزش و پرورش استخدام شد و محل خدمت ایشان دبیرستان طالقانی کنگان تعیین گردید. تا اینکه در سال ۱۳۵۹ با هجوم دشمن بعثی عراق به میهن اسلامیمان جهت دوره احتیاط داوطلبانه (و به دلخواه خویش) به جبهه‌های جنوب اعزام شد و با وجود پایان پذیرفتن دوره ی احتیاط همچنان در مقابل نیروهای بعثی ایستادگی نمود و مدت یازده ماه در جبهه‌های جنوب مشغول نبرد با دشمن تا دندان مسلح بود. اما بر اثر مریض شدن پدرش ناچار شد جهت پرستاری از پدر تسویه حساب کند بعد از اینکه از جبهه مراجعت نمود به شهرستان تنگستان منتقل گردید و به سمت مسئول امور تربیتی اداره آموزش و پرورش اهرم انتصاب گردید و با پشتکار خود توانست در این سنگر مهم انقلاب فعالانه به خدمت بپردازد و کارهای امور پرورشی را سر و سامان بدهد. اما شعله عشق به شهادت در دلش زبانه می کشید و همچنان ناراحت بود که مبادا از این قافله عقب بماند و چرا در جبهه‌ها حضور ندارد. هیچگاه آرام ننشست. تا اینکه سرانجام در تاریخ ۲۹/۲/۶۱ جهت بیرون راندن آخرین بقایای دشمن بعثی از طریق سپاه پاسداران بوشهر به جبهه اعزام شد و تا آنجا که توانست در سنگرهای جنوب بر علیه کفر جنگید و در این مدت شکارچی تانکها و نفر برهای دشمن بعثی بود تا سر انجام در تاریخ ۵/۶۱/۷ در مرحله پنجم عملیات رمضان در حال شکار تانکهای دشمن به آرزوی دیرینه خویش که وصال به معبود خویش بود، رسید و خوشی سرزمین گرم جنوب را گلگون ساخت. برادر شهیدمان آنقدر عشق به شهادت داشت که هرگاه شهیدی را در بوشهر یا شهرستان تنگستان تشییع می کردند غبطه می خورد و می گفت: که افسوس که ما از قافله عقب مانده ایم و می ترسم که از قافله شهدا باز بمانم. اکنون از این شهید بزرگوار سه یادگار به نامهای حسین، غلامعلی و محمد علی جمالی به یادگار مانده است که امید است ادامه دهند راه پدر بزرگوارشان باشند. یادش گرامی و راهش پر رهرو و نامش جاوید باد.

وصیت نامه

وصیت نامه شهید حسن جمالی

بسم الله الرحمن الرحيم و بسم رب الشهداء و الصديقين

من المومنين رجال صدقوا ما عاهدوا الله عليه و منهم من قضى نخبه و منهم من تنظروا ما بدلوا تبديلا
(قرآن کریم)

مرگ با شرافت بهتر از زندگی پر ننگ است (امام علی علیه السلام)

هیئات منا الذله (امام حسین علیه السلام)

ملتی که شهادت برای او سعادت است پیروز است (امام خمینی)

دروود بر رهبر کبیر انقلاب، درود بر شهیدان راه خدا از آدم تا خاتم و از خاتم تا آیت الله دستغیب. درود بر ملت شهید پرور ایران، درود بر رزمندگانی که ایثارگرانه پیام خون شهیدانمان را در جبهه های خوزستان بر صفحه تاریخ کشورمان به شرق و غرب عالم نوید پیروزی می بخشد. درود بر رهروان سنگر نشین پشت جبهه برادران و خواهران مسلمان چون با الهام از آیه شریفه و امام علی (ع) و همچنین از این شعار جان فرسای معلم شهید و شادم امام حسین و در آخر جمله شیوا و خداگونه امام عزیزم خمینی کبیر با توجه به موقعیت حاضر آرامشی نداشتم بر آن شدم تا بهر قیمتی که شده است برای باز گرداندن آرامش خود چاره ای بیندیشیم که در آن رابطه عاشقانه و مشتاقانه با عنایت خاص حضرت ولی عصر عازم جبهه حق علیه باطل گردیدم تا شاید به ندای هل من ناصر ینصرنی حسینان زمانم لبیک گویند افتخار بورزم. در اینجا باید از همه برادران و خواهرانم طلب بخشش کنم و از همه تقاضا دارم که آنچه که در گردن من حق دارند ببخشند و مرا حلال کنند و برای من از خدا استغاثه کنند تا بر من ترحم کند و مرا غریق رحمت خود قرار دهد، بار خدایا من با کوله باری از گناه به تو روی می آورم، خدایا ترا به حق خون عزیزان شهید مرا بیامرز و در امور دینی مرا موفق بدار و عنایت بی کرانه را از من دور مگردان، برادران و خواهران عزیز، شهید خون خود را می ریزد تا اسلام عملی گردد و هیچ هدفی جز این نخواهد بود بر این شهید باید گریه شوق کرد. گریه فراق کرد گریه عدم وجود لازم او کرد نه گریه اندوه و عجز و ناسپاسی و شکایت آمیز نزد خدا با شرایط مثبت بالا باید طوری برای شهید دل بسوزانیم که تنها دل هماهنگ کننده سوزاندن تمایلات نفسانی و هواها و انحراف ها و بی برنامگی ها و بی تفاوتی ها و دورویی ها و تمام اعمال شما در جهت منفی روزمره باشد نه اینکه تنها در چهار شعاری باشد که فقط تا مراسم روز هفت شهید است و پس از آن از اصلاح خبری نیست و نباشد. شما ای حسینان زمان ای امت وارثان به حق اولیا ﷺ الله منادیان راه رسول الله همه و همه واقفید که تاریخ پر افتخار سبز اسلام و حماسه سرای اسلام جز عده خاص و خداگونه را در صفحاتش نقشی نمی نگارد اینجا است که رهبر عظیم ایران قلب زنده و پنده امت این تبلور و تجلی عینی اسلام و همچنین پیروی از ولایت بلامنازش در عملکرد این برهه تاریخ در سخت ترین شرایط بر همه شما لازم و ضروری است تا خون شهیدان پایمال نگردد انقلاب را با زعامت نایب بر حق امام زمان (عج) و هدایت پیامبر گونه این اسطوره مقاومت به پیروزی کامل برسانیم از دیگر مسائلی که نگه دارنده خون شهیدان و پاسداری از حریم اسلام عزیز است همکاری و استقبال از ارکان های انقلاب به خصوص جهاد سازندگی و سپاه پاسداران و انجمن های اسلامی و دیگر نهادهای جوشیده از بطن این امت است که می تواند گره گشای مشکلات و ناملازمات انقلاب باشد البته لازم به ذکر است نگهداری این ارکان ها حتما باید بدست افراد متعهد و مسئولی باشد که از هر نظر مزکی و پاک باز بدون تردید حوادث و جریانات و توطئه های پیچیده ای که در طول انقلاب توسط این امت و با همکاری سپاهیان عزیز در نطفه خفه می شود گواهی آشکار خدایی بودن این انقلاب و امدادهای غیبی امام زمان است.

و اما تو ای پدر بزرگوام از اینکه من فرزند خوبی برایت نبودم مرا ببخش و زحمات طاقت فرسایت را بر من حلال کن می دانم که داغ فرزند برایت مشکل است و تحمل چنین فراقی برایت بسی رنج آور است ولی فکر کن که یا همیشه زنده هستی و جاودانه است برای شما زندگی آخرت آیا دوست نداری در زندگی ابدیت با سربلندی در مقابل حضرت علی (ع) عرض ادب کنی و علی دست نوازش بر سر و صورتت بکشد؟ مطمئناً آری! پدر جان تو مرا با یاری خدایت برای خدمت به حق الله در راه خدا تربیت کردی و هیچ هدفی از تربیت شما غیر از این نبوده و نیست بنابراین نباید نگران باشی بامیل و رغبت خمست را می دهی این نیز خمسی است که از فرزندان در راه

خدا داده ای باشد که تو از رستگاران و راه یافتگان حقیقت قرآن باشی . پدر جان در فکر این دنیا نباش که این دنیا محک آزمایش و امتحانی است برای افراد بشر که ببینیم آیا ترا به حال خودت وا گذاشتند میتوانی دستورات خدا را اطاعت کنی یا نه و برای جزای خیر آخرت قبول می شوی یا نه ؟ شما او را ابراهیم وار در راه خدا به قربانگاه بفرستید و با سلاح و ابزار ایمان خالصانه گردن او را در راه خدا ببر مگر نه این است که تو آرزوی رفتن به خانه خدا را داری خانه خدا در قلب و اعمال تو است ، انما الاعمال بالنیات .

باشد تا خدا به شما اجر جزیل عنایت فرماید اما مادر مهربان تونیز همچون خدیجه زمان باش که همسرت از دامان تو به معراج می رود و اما شما ای خواهرانم و همسرم زینب گونه پیام رسان خون شهیدان گلگون کفن و برادر و همسرت باش و برای شادی روح شهیدان و شهیدتان از پوشش حجاب در تمام ابعاد زن نمونه مسلمان غفلت نورزید و قویا دعا برای جان امام نابودی منافقان ملحد کنید مبادا این مسائل خللی در این شما ایجاد کند و تو ای برادرم و ای فرزندانم حسین و غلام و محمدعلی ، با شهادت من رسالت شما بس خطیر ترمی گردد. و تو برادرم در سنگر آموزش و پرورش به خوبی از خون شهیدان نگاهداری کن و قطره خون شهیدان را بازبان گویند به کمک مسئولین چنان بر نیمکت های مدرسه در مقابل دانش آموزان عزیز اظهار ساز که این خود رسالتی است بسیار سنگین و امید است که این شهادت ها هر روز درسی تازه ای برای امت همیشه بیدار ایران و تو برادرم حیدر باشد و اما ای فرزندانم از شما نیز جز مسیر حق تعالی چیزی نمی خواهم که امیدوارم مادران و پدر بزرگتان و همچنین عموتان در این امر کوشا باشند . والسلام .

من الله توفیق

به امید پیروزی هر چه زودتر رزمندگان اسلام بر کفر جهانی
مرگ بر آمریکا و مزدوران منافقش حسن جمالی

وصیت نامه دیگر شهید

بسم الله الرحمن الرحيم و بسم رب الشهداء و الصديقين

ضمن دعای طول عمر برای رهبر عزیز و کبیر انقلاب اسلامی و با توجه به وصیتی که نوشته بودم باز خواستم چند کلمه ای به عنوان وصیت بنویسم .

اکنون که تمام حواس وهم و غم خود را برای عزیمت به جبهه نبرد حق علیه باطل عاشقانه با دلی شاد و خرم آماده کرده ام و لحظه ها را برای رسیدن و رویارویی با دشمن مزدور در قربانگاه های کربلای خوزستان حسین وار دقیقه به دقیقه و ثانیه به ثانیه می شمارم ، جا دارد تا با آن حال خوش چند کلمه ای بر روی این صفحه کاغذ برای برادران و خواهران و پدران و مادران شهید پرورم بنویسم در تمام لحظات و حرکات به یاد حسین باشید و خط او را به عنوان ولایت فقیه و نایب بر حق حضرت مهدی (عج) که با آن لطافت و ظرافت می شود تا زمینه ساز ظهور حضرت مهدی (عج) باشد و دستورات قرآن و اسلام را بر جامعه مسلمانان ایران عنایت بخشد محکم و استوار نگهدارید و به خوبی قدر این امام را بدانید و آگاه باشید که این نیز بخشش بی کران الهی است که در این عصر به خصوص عصر ما افتخار داشتن چنین رهبری را داشته باشیم در این صورت برای سلامتی و طول عمرش هر چه می توانید به درگاه خدا التماس کنید شما جامعه پر فسق زمان قبل از انقلاب را با جوانان داوطلب و تنش های شهادت زمان حاضر مقایسه کنید تا به عظمت و بزرگ بودنش پی ببرید و به سخنان شیرین و پر محتوای او در همین زمینه استنتاج بکنید . من وقتی که با آن حال خوش دستور وصف ناپذیر برای حفظ اسلام و انقلاب اسلامی و به ثمر رسیدن تمام این انقلاب اسلامی صبرم را برای هر چه زود تر رسیدن به جبهه از دست می دهم می بینم و می اندیشم که تنها کانال و مجرای که باعث چنین شناختی برایم شده از اوست و بدین طریق مدیون او خواهم بود .

خدایا از عمر ما بکاه و برای حفظ و حراست از اسلام بر عمر پر برکت و سرنوشت ساز او بیفزا و او را در پناه خود محفوظ فرما .

اما بعد پدر مهربان آنچه نوشتنی بود برایت نوشته ام ولی آنچه واجب است برایتان سفارش کنم تربیت فرزندان من است و از تو خواهش می کنم که کاری کنید که فرزندان من آن قسمت از نماز که بلد نیستند بیشتر یاد بگیرند و مواظبشان باش و هر روز نماز مغرب و عشا را با آنها بجا بیاور و آنها را در یادگیری مسائل دینی تشویق نمایید خلاصه کلام در غیاب من چنان آنها را تربیت کن که این اسلام در زندیگیشان سر لوحه قرار گیرند پدر جان خیلی

میل داشتم تو نیز قادر بودی و به جهاد تا به شهادت گاه عشق می رفتی آن موقع بود که علاقه و حماسه رزمندگان پرفتح می دیدیم و بخصوص بنده حقیر در ارتباط با ممانعت از عاطفه پدر فرزندی در غربت به جبهه در مورد خودم درک می کردی. چه انگیزه‌های باعث می شود تا مردان خدا به سوی معبودشان بشتابند و به سبقت گیری از همدیگر تلاش کنند. اما توهمسرم اختیار داری که بعد از شهادتم چنانچه تمایل داشته باشی بعد از مدت شرعی از دواج کنی و هیچکس حق ندارد که به هیچ عنوان از این کار شما جلوگیری کند مگر زمانی که به طریقی و با عملکرد بسیار ساده ای نسبت به فرزندان که آن موقع حکومت اسلامی به طریق قانونی مسائل را حل و فصل می کند البته لازم به تذکر است که از شما به عنوان همسری دلسوز و مهربان و نیکو تقدیر کنم و از زحماتی که در این مدت برای من کشیدی بسیار تشکر کنم و امیدوارم که مرا ببخشی و مرا حلال کنی و از اینکه من همسر خوبی برای شما نبودم بی نهایت معذورم و از شما طلب بخشش دارم، خدایا مرا ببخش و حق زن و فرزندانم را در گردنم حلال کن، و چنانچه خواستی پیش بچه ها بمانی به تربیت فرزندان اهمیت خاصی می دهی و همچون لیلی اطهر فرزندان را به راه خدا هدایت کن و از همین الآن مشغول باش تا آنها را با قرآن آشنا بکنی و اما شما ای فرزندانم ای طفلان معصوم چنانچه خدای ناکرده از پدرتان بهتر نشدید امیدوارم که لااقل راه مرا به اندازه ی خودم دنبال کنید و به همین بابت روح مرا شاد کنید و همچنین با مادرتان مهربانی کنید و به او احترام بگذارید و چنانچه خدا می فرماید: بهشت زیر پای مادران است. با مادرتان در کارها و گرفتاری ها و دیگر مسائل همکاری و همکاری کنید و ماشین نیز چنانچه شما و به خصوص پدرم میل داشتید نگاه دارید و کارهایتان را با ماشین انجام دهید اما اگر بشود که این ماشین برای شما نوجوانان عزیز خدای ناکرده نشود و شما را فریب ندهد و شما را متکبر و بی بند و بار و به راه شیطان نگشاند و بالاخص موظفید که دشمنان امام خمینی (ره) که دشمن اسلام و خود بدانید و دوستان و مویدان او را یاور اسلام و خود بدانید به این مسئله خیلی توجه کنید و کسی را که امام معرفی نمود او را پیروی کنید و یاریش دهید در حد وظیفه ی شرعی. در اینجا چیز دیگری یادم آمد و آن طلب استغفار است من از آخرتم وحشت دارم هر چند که مقام شهید را برای خود در نزد خدا آرزو می کنم و امیدوارم که خداوند مرا به عنوان شهید به خود باز گرداند ولی شهید نیز به گفته قرآن خیلی مقامش والاست اما باز خیالم راحت نیست واز کردارهای گذشته ی خود پشیمانم و خدا را به کون و مکانش قسم می دهم مرا بپذیرد و قلم عفو بر کل جرایم اعمال من در کشد. اما شماها و همچنین ای همه کسانی که در مراسم تشیع من شرکت می کنید شما به خدا قسم می دهم که برای من نزد خدا آموزش بطلبید و همگی مرا حلال بکنید و مرا ببخشید و هر کسی حقی بر گردن من دارد استدعای عاجزانه دارم که مرا ببخشد و حلالم کند در پایان طول عمر امام را از خداوند بزرگ می خواهم و همه را به خداوند بزرگ می سپارم.

خدا یار و یاورتان باد شما نیز یار و یاور اسلام و امام باشید. انشاءالله
و من الله توفیق شهید حسن جمالی

مصاحبه

مصاحبه ای از پدر شهید

س- ضمن عرض سلام خودتان را معرفی کنید و نسبت خودتان را با شهید بیان کنید .
به نام حضرت دوست اینجانب حاج غلامرضا جمالی پدر شهید حسن جمالی می باشم .
س- از کودکی ایشان صحبت کنید .

ج- او هم از نظر معنوی فردی والا بود طوری که بمدت ۶ ماه قرآن را به خوبی ختم کرد و در پنج سالگی به طور روان قرآن را قرائت می کرد و از نظر جسمانی نیز فردی فعال بود به گونه ای که در نوابستان ها که مدرسه ها تعطیل بود او جهت تامین هزینه مدرسه اش به کارگری مشغول می شد . او در کارهای کشاورزی چون برداشت گندم و جو و خرما بسیار به من کمک می کرد و استعداد او به حدی بود که با توجه به اینکه در یکی از سال ها سه ماه مریض بود و به مدرسه نرسید توانست در همان سال در خرداد با موفقیت قبول گردد و آن پایه را به پایان برساند . او به فوتبال و والیبال بسیار علاقه مند بود .
س- اخلاق و رفتار ایشان چگونه بود ؟

ج- رفتار و اخلاق ایشان نمونه بود و زبانزد عام و خاص بود او الگوی عملی رفتار شایسته برای جوانان و هم سن و سالان خویش بود . او خوش رو ، خوش کلام ، مخلص ، ظاهری آراسته داشت و دیگران را مجذوب می ساخت .
س- در مورد فعالیت های مذهبی ایشان صحبت کنید .

ج- نماز و دعا و روزه در وجودش عجین شده بود و نمی توانست آنها را از صفحه زندگی خود محو کند . زیرا او خود برگزار کننده دعا ها در مسجد روستای خیار و روستاهای هم جوار بود . او به حدی به مسائل عبادی و عقیدتی خود پایبند بود که حتی در دوره های سربازی که مشغول نماز خواندن بوده و در آن گرمی هوا روزه می گرفته و نماز به پا می کرده افسران محل خدمتش به شوخی به او می گفتند: حسن اگر جایی را در بهشت پیدا کردی ما را هم ببر . او در زمان جنگ تحمیلی اکثرا نماز را به جماعت برگزار می کرد و خود امام جماعت آن جمع می شده است او در ماه های محرم و صفر و رمضان مراسم را به گروهی برگزار می کرد و خود مجری خیلی از آن جلسات بوده است .

س- نحوه شهادت و محل و تاریخ شهادت ایشان چگونه بوده است ؟

ج- او در حالی که از عملیات رمضان بر می گشته است بر اثر اصابت خمپاره در نزدیکی ایشان و خوردن چند ترکش به بدن نازنینش در مردادماه سال ۶۱ در منطقه عملیاتی کوشک به درجه رفیع شهادت می پیوندد .
س- در هنگام شنیدن خبر شهادت نامبرده ، احساس شما چگونه بود ؟

ج- ابتدا مانند هر پدری بسیار ناراحت شدم که پسر من را از دست داده ام ولی بعد ها خدا را شکر کردم که چنین فرزندی را تربیت کرده ام که راه شهادت را انتخاب نموده است و جان خویش را فدای راه حق و اسلام نمود و بعد با دستان خودم جسد مطهرش را از سردخانه بیرون آوردم و بوسیدم و در آمبولانس گذاشتم .

س- مراسم تشییع آن شهید بزرگوار چگونه بود ؟

ج- جمعیت شرکت کننده در مراسم تشییع جنازه شهید بسیار زیاد بود تا آن حد یادم می آید که از تمام روستاها و شهرهای اطراف شرکت کرده بودند و با لباس بسیجی دفنش کردیم .
یادش گرامی باد .

مصاحبه با دوست شهید

س- ضمن عرض سلام خودتان را معرفی کنید .

ج- به نام در هم کوبنده ظلم ها اینجانب ابراهیم جمالی یکی از دوستان شهید حسن جمالی .
س- از کودکی ایشان صحبت کنید .

ج- در روستا از کودکی او را می شناختم و با خصوصیات اخلاقی و بازی های کودکانه ای که با هم داشتیم جو صمیمی و عاطفی بین او و همه دوستان حاکم بود .

س- از خصوصیات اخلاقی و معنویت شهید بر ایمان بگوئید .

ج- ایشان از روحیات فوق العاده مذهبی برخوردار بود و مقید به مسائل اسلامی و انجام مراسم مذهبی و پایبند

به اصول و احکام اسلامی بود به طور مرتب در نماز جماعت شرکت داشتند با توجه به علاقه خاصی که به اهل بیت (ع) داشتند از مراسم ولادت و شهادت این ائمه به خصوص در ماه رمضان و محرم و صفر به گرمی استقبال می کرد و بعضی مواقع به نوحه سرایی و مرثیه خوانی در مورد ائمه می پرداخت و دوستی اهل بیت را در دل داشت و در نماز جماعت برای تشویق جوانان سئولاتی را طراحی می نمود و آنها را ضمن تشویق به مطالعه و تحقیق نسبت به ائمه آشنا می ساخت جوایزی نیز جهت مسابقه اش در نظر می گرفت که معمولاً کتاب های ادعیه و قرآن و کتاب های مذهبی بود.

س- از خصوصیات فردی او چه می دانید .

ج- او به دیگران احترام می گذاشت و حتی زمانیکه در نانوائی بوشهر مشغول به کار بود نمازش را در مسجدی که در نزدیکی نانوائی بود می خواند او در نانوائی نیز بسیار متواضع بود و از ریختن ریزه های نان جلوگیری می کرد . و احترام خاصی به نان می گذاشت .

مصاحبه با دوست دیگر شهید

س-ضمن عرض سلام خودتان را معرفی کنید .

ج- به نام خدا اینجانب علی جمالی از دوستان شهید حسن جمالی هستم.

س- درباره کودکی ایشان چه می دانید ؟

ج- شهید جمالی بسیار جنب و جوش و تحرک داشت . با همسالان حتی بزرگتر از خود کشتی می گرفت و آنها را به خاک می مالید بسیار گشاده رو و بشاش بود در همان کودکی با هم دانش آموز بازی می کردیم . او معلم می شد و من و سایر دوستان هم دانش آموز او بودیم .

س-در مورد رفتار و اخلاق ایشان برایمان بگوئید .

ج- او اخلاقی فوق العاده بالاتر از انسان های حاکی داشت صبور ، قاطع ، متواضع ، پرتلاش و بلند همت بود .

س- در مورد فعالیت های مذهبی ایشان برایمان بگوئید :

ج- قبل از انقلاب اسلامی همانند خانواده معظم خود مقید به نماز ، روزه بود . مراسم محرم و رمضان را بسیار با شکوه برگزار می کرد . او هنگامی که از خدمت سربازی به مرخصی می آمد از سال های ۵۶ صحبت از پیروزی انقلاب و براندازی حکومت شاهنشاهی می نمود . او به همراه شهید اسماعیل جمالی و شهید احمد جمالی و شهید فلکناز جمالی و سایر برادران همه برنامه های مذهبی را به گرمی برگزار می کردند .

س-بخطره ای اگر از او دارید بیان کنید .

ج- هنگامی که من مجروح شدم و جهت مداوا به تهران اعزام گشتم او که به خانواده اش گفته بود من جهت ماموریت از طرف آموزش و پرورش به شیراز می روم از جبهه تلفنی با من صحبت کرد و گفت : تو تنها پسر خانواده هستی و نباید جبهه بیایی ، تو سر پرستی خانواده را بر عهده داشته باش و همین جا جبهه توست و من می خواهم اولین شهید روستا باشم . بعد از اعزام شدن شما دیگر نمی توانستم در خانه بمانم به همین خاطر آمدم . شما نیز به خانواده ام بگوئید که حسن در جبهه هاست ، من که نمی توانستم حرفی خلاف حرف های شهید بزنم به خانواده اش گفتم که حسن بنا به ماموریتی به شیراز رفته (که امیدوارم خانواده اش مرا ببخشند) و برادر بزرگوار شهید حسن جمالی سه ماه پس از این واقعه به درجه رفیع شهادت نائل گشت .

س- از تشییع جنازه شهید چه می دانید؟

ج- اگر اغراق نباشد چون ایشان اولین شهید روستا بود بیش از ۴ کیلومتر یعنی از سه راه انبارک تا گادوی همه مملو از جمعیت و خودروهایی بود که جهت شرکت در تشییع پیکر پاک و مطهر شهید حسن جمالی آمده بودند.

خاطرات

خصایص و سجایای اخلاقی شهید

ویژگی هایی در تربیت و مسئولیت پذیری:

مسئولیت پذیری، قدرت تصمیم گیری، قاطعیت، پذیرش انتقادات و پیشنهادات از ویژگی های منحصر به فرد این شهید بزرگوار بود اگر اشتباهی از او سر می زد بلافاصله عذر می خواست. رهبری مراسمات محرم، صفر و رمضان و راهپیمایی ها را به عهده می گرفت، هیچگاه احساس خستگی در روحیه او دیده نمی شد. کارهایی که حتی از توانش خارج بود توکلت علی الله مسئولیت آن را عهده دار می شد. حضور به موقع و حتی پیش از موعد مقرر و فعال در محل کار و دیرتر رفتن و دیر تر ترک محل کار کردن از خصوصیات بارزی است که دوستانش بارها به آن اشاره کرده اند.

ویژگی های اخلاقی:

در محل کار با دوستانش صمیمی و ارتباطی دوستانه و تنگاتنگ داشت، ارباب رجوع را درک می کرد و خواسته هایش را تا حد امکان بر آورده می ساخت. متین و خوش قلب بود لباس های ساده پوشیدن، غذاهای ساده خوردن از ویژگی های بارز نامبرده بود. ظاهری آراسته و موهایی کوتاه و مرتب داشت.

او معروفات را امر می کرد و از منکرات نهی می نمود در مقابل بی عدالتی ها قاطعانه می ایستاد و اشتباهات دیگران را مخفیانه به خودشان می فهمانید.

او برخی مواقع با ارتباطی که با امام جمعه و سایر مسئولین داشت وسایلی از آنها می گرفت و بین مردم تقسیم می نمود. دیگران را بر خودش اولویت می داد.

سخنان شهید در مورد تربیت

ایشان از حضرت امام (ره) اینگونه نقل می کنند:

امام می فرماید:

خیلی باید چشمها را باز کنید و شغل مهم خودتان را انتخاب کنید، بسیار شغل عالی است لکن به مسئولین باید توجه کنید تربیت کنید مهم تربیت است. علم تنها فایده ندارد. علم تنها گاهی، مضر است. این باران که رحمت الهی است وقتی که در گلهای می خورد بوی عطر بلند می شود. وقتی که جاهای کثیف می خورد بوی کثافت بلند می شود. علم هم همینطور است. اگر در یک قلب تربیت شده، علم وارد بشود عطرش را عالم می گیرد اگر در یک قلب تربیت نشده و یا فاسد بریزد این عالم را فاسد می کند.

اذا فسد العالم فسد العالم

اهداف تربیت

هو الذی بعث فی الامتین رسولا منهم تیلو علیهم آیاته ویزکیهم و یعلنهم الکتاب و الحکمه.

امام خمینی (ره) شاگرد بزرگ مکتب انبیا در جمع معلمین در این زمینه چنین می فرماید:

تربیت کنید آنها (شاگردان) را به اخلاق انسانی و اسلامی و توجهات آنها را به خداوند بدهید و آنها را از این فسادهایی که در جامعه های منحل شده واقع می شود بپرهیزانید. به آنها بفهمانید که انسان تا سرش توی این آخور طبیعت است انسان نیست اینهایی که همه توجهشان به این است که چیزی بدست بیاوریم و یک زندگی رفاه درست کنیم اینها در آخور طبیعت سرشان بند است.

اما هدف از تربیت در اسلام، شکوفا نمودن استعدادهای درونی خدادادی و پرورش صفات عالی انسانی و اخلاق نیکو و در نتیجه ساختن انسان های عالی و باتقوا و سازنده است.

تقوا هدف اساسی تربیت

حضرت علی می فرماید:

ان تقوا الله یجعل لکم فرقانا

اگر تقوای الهی داشته باشید خداوند برای شما عاملی تشخیص دهنده قرار می دهد.

تقوا کلید درستی و اندوخته روز قیامت است، آزادی است از قید هر بندگی، نجات است از هر بدبختی. به وسیله

تقوا انسان به هدف خویش می رسد و از دشمن نجات پیدا می کند و به آرزوهایش نائل می گردد.
ای بندگان خدا شما را به تقوای الهی توصیه می نمایم زیرا تقوا به منزله مهار (هدایت کننده) و پایه (رفتار) است
پس به بندهای محکم آن را بیاد یزید و به حقایق آن توسل جوئید تا شما را به مواضع آسایش و مکان های گسترده
و حصارهای محفوظ و مقام های ارجمند برسانند.

حکمت

کلمه حکمت به معنای منطقی یا معرفت حقیقی است.
پرورش دادن انسانها است .
لقد ارسلنا بالبینات و انزلنا معهم الکتاب والمیزان ليقوم الناس بالقسط .
تکامل انسان بعنوان یک هدف تربیتی .
پرستش خدا هدف اساسی تربیتی .
برادری و همکاری به عنوان یک هدف تربیتی .
دوستی با ملل دیگر نیز یکی از هدف های اساسی تربیت است .

شرایط مربی

اگر مربی بخواهد دانش آموزان را الهی تربیت کند لازم است شرایطی داشته باشد :

۱- اخلاق نیکو و حسنه.

۲- تواضع و فروتنی .

گفتار نیکو (قولو للناس حسنا □ به زبان خوش با مردم تکلم کن) .

مقاومت در برابر سختی ها

تدبیر و کاردانی(عجله نکردن)

کنترل نفس در برابر تعریف و تمجید دیگران

عدم عیب جویی

هیچگاه به کسی فرمان انجام کار را نداده ام مگر اینکه ابتدا خود آنرا انجام داده باشم و کسی را از کاری منع
نکرده ام مگر اینکه خودم آن کارها را کرده باشم .

ارشاد پذیری

بر دباری و گذشت (محمد رسول الله والذین معه اشداء علی الکفار رحما بینهم)

قضاوت صحیح

هماهنگی گفتار با عمل

بر خور داری از روحیه سالم

محبت و رافت

ایمان ،علاقه نسبت به کار تربیت

عزت و سلامت نفس

دوری از غرور و تکبر و قاطعیت اسلامی

شعری در وصف شهید

پریدیم و به نام عشق رفتیم از اینجا تا مقام عشق رفتیم

شبی همراه با یک ترکش داغ به پابوس امام عشق رفتیم

در اینجا تو و چفیه ای سوخته من و چشم های به تو دوخته

که می بینمت سخته پرپر شدی و مانند یک نخل بی سر شدی

عاشقان را سر شوریده به پیکر عجب است
دادن سر نه عجب، داشتن سر عجب است
تیغ بارد اگر آنجا که بود جلوه دوست
تن ندادن ز وفا در دم خنجر عجب است

همسر من
کودکانت روزگاری گر نشانی از پدر جویند
یا که از نام پدر گویند
گو که شد در راه ایمان
کشته با لبهای خندان
(برگرفته از سخنان شهید رجایی)



سامانہ جامع سرداران و دوحہ ششمیہ استان بوٹھر